

تجارت خارجی تبریز در دوره آق قویونلوها

ولی دین پرست^۱

چکیده

تبریز از دوره ایلخانان به یکی از کانون های مهم تجارت ایران تبدیل شد. هر چند با سقوط ایلخانان وقفه ای در تجارت خارجی این شهر ایجاد گردید، اما بار دیگر تبریز از دوره آق قویونلوها به عنوان کانون مهم تجارت بین شرق و غرب ظاهر شد. تجار از مناطق مختلف شرق و غرب کالاهای تجاری مانند ادویه هند، اقمشه یزدی، سمرقندی، فرنگی، انواع پوست سمور، سنجاب، قاقم، اجناس چینی نظیر پارچه های کماخ زر دوزی شده، اطلس، مشک، موم، نیل و ابریشم گیلان، مازندران را به این شهر می آوردند. تجار تبریز کالاهای تولید شده ایران را به عثمانی، دشت قپچاق و سایر سرزمین ها صادر می کردند این شهر به بازار بزرگ مبادله کالاهای هندی، چینی، اروپایی، تبدیل شده بود. سیاست های حمایتی سلاطین آق قویونلو زمینه رونق بیشتر تجارت خارجی تبریز را فراهم کرده بود. در نتیجه رونق تجارت، آق قویونلوها از طریق اخذ عوارض گمرکی از کالاهای وارداتی و صادراتی به تبریز

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، vali_dinparast@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۰



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This

is an Open Access article distributed under the terms of the **Creative Commons Attribution 4.0 International**, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

درآمد قابل توجهی بدست آورده، تجار، پیشه‌وران تبریز نیز در مبالغت تجاری با کسب درآمد به رفاه اقتصادی دست یافته بودند.

بررسی جایگاه تبریز در تجارت خارجی و عواید حاصل از آن موضوع بحث این مقاله است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد تاریخی به شیوه تحلیلی و توصیفی به تبیین موضوع پرداخته شده است. حاکمان آق‌قویونلوها به عواید فراوان حاصل از تجارت پی برده بودند زمینه‌های رونق تجارت خارجی را فراهم نموده و در نتیجه تبریز در تجارت بین‌الملل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار گردید.

کلیدواژه‌ها: آق‌قویونلوها، تبریز، تجار، تجارت خارجی، کالاهای تجاری.

۱. مقدمه

تبریز از دوره ایلخانان بخاطر مرکزیت سیاسی اهمیت تجاری نیز پیدا کرد. هر چند با سقوط ایلخانان (۷۳۶/۱۳۳۵م) وقفه کوتاه در رونق اقتصاد بازرگانی این شهر ایجاد شد اما با شکل‌گیری حکومت تیموریان (۷۷۱/۱۳۷۰م) و سیاست‌های حمایتی تیمور برای ایجاد امنیت در مسیر راههای تجاری بار دیگر تبریز اهمیت تجاری گذشته خود را باز یافت این روند در دوره حکومت ترکمانان قراقویونلو و آق‌قویونلو رشد بیشتری پیدا کرد. در دوره اوزون حسن آق‌قویونلو قانون نامه‌هایی برای ایجاد نظم در فعالیت‌های اقتصادی تدوین شد، بخشی از این قانون نامه‌ها در زمینه حمایت از تجارت بود، نتیجه آن گسترش تجارت با غرب، عثمانی، دشت قپچاق، تیموریان و دولت‌های مسلمان هند بود.

بر اساس گزارشات تجار و سیاحان اروپایی در این دوره انواع کالاهای تولیدی سرزمین‌های شرقی و غربی مانند ابریشم خام، پارچه‌های ابریشمی، زربافت، پارچه کمخا، قطیفه، صوف، قطیفه فرنگی منقش، لعل، مروارید، عنبر، مشک، یاقوت و انواع جواهرات، انواع ادویه هند، پوست سمور، قاقم، سنجاب و... از سوی تجار فرنگی، مسلمان، عرب، هندی و... در تبریز مبادله می‌شد. تبریز در تجارت بین‌المللی نقش مهمی ایفا می‌کرد. بخشی عمده‌ای از درآمد حکومت آق‌قویونلو از طریق دریافت عوارض گمرکی و یا باج تمغا از تجار و کالاهای وارده و صادره به تبریز بدست می‌آمد. از شرق و غرب در راههای پررفت و آمد تجار کالاهایی به تبریز حمل می‌کردند. رونق تجارت خارجی در وضعیت اقتصادی بازاریان، پیشه‌وران و تجار تبریز نیز تاثیر زیادی گذاشته بود.

در مورد تجارت تبریز دوره آق‌قویونلوها در کتاب تاریخ ایران دوره تیموریان پژوهش دانشگاه کمبریج عمدتاً به تجارت داخلی شهرهای یزد، کاشان، تبریز و راههای تجاری مطالبی نوشته شده و به تجارت خارجی تبریز اشاره گذرا صورت گرفته است. زهرا امیری در مقاله «روابط ونیز و ایران در عهد اوزون حسن آق‌قویونلو» (۱) عمدتاً به روابط سیاسی ونیز و آق‌قویونلوها پرداخته و در روابط تجاری نیز از سفرنامه ونیزیان بهره گرفته و عمدتاً مطالب این کتاب را تکرار کرده، یافته‌های جدیدی را ارائه نکرده است. احمد برجلو و مهدی سنگ سفیدی در مقاله «تجارت در دوره آق‌قویونلوها» (۲) کلیاتی از تجارت دوره آق‌قویونلوها در شهرهای خرپوت، ماردین، اورفا، ارزنجان، تبریز، کاشان، یزد و نقاط دیگر نوشته و در خصوص تجارت تبریز به نقل از سفرنامه ونیزیان در ایران مانند دیگران مطالبی چند نوشته است. هدی حسین زاده در مقاله روابط ایران و هند در دوره سلطنت حسن بیگ و یعقوب آق‌قویونلو (۳) بیشتر روابط سیاسی و فرهنگی بین ایران و هند در قرن نهم هجری را مورد بحث قرار داده و در زمینه تجارت هرمز و خلیج فارس در دوره آق‌قویونلوها اشاره مختصر داشته است. هیچکدام از پژوهش‌های فوق به طور جامع به تجارت خارجی تبریز در دوره آق‌قویونلوها نپرداخته‌اند. بنابر این بررسی جایگاه تبریز در تجارت خارجی دوره آق‌قویونلوها و فرایندی که در واردات و صادرات کالا صورت می‌گرفت، مسئله اصلی این پژوهش است. با استفاده از اسناد و گزارشات سیاحان فرنگی و منابع تاریخی تلاش شده به این سوال پاسخ داده شود که تبریز در تجارت خارجی دوره آق‌قویونلوها از چه جایگاهی برخوردار بوده است، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تبریز در این دوره از تجارت خارجی پررونقی داشته است.

۲. تبریز در قرن هشتم و نهم هجری

در اواخر دوره خلافت عباسی تبریز به عنوان پایتخت اتابکان ایلدگری در میان شهرهای آذربایجان از لحاظ اهمیت سیاسی و اقتصادی مقام اول را کسب کرده بود (بارتولد، ۱۳۷۷: ۲۷۹)، هر چند با هجوم مغول (۶۵۱/۱۲۵۱ م) مدتی مراغه جایگزین تبریز شد اما بزودی تبریز موقعیت سابق خود را بدست آورد (لسترنج، ۱۳۸۶: ۱۷۰-۱۷۱) و پایتخت ایلخانان (۶۶۴/۱۲۶۴ م) شد. ایلخانان مغول بناهایی در این شهر احداث نمودند. غازان خان مجتمع غازانیه را بنا کرد. در دوره حکومت او تبریز از نظر وسعت گسترش زیادی یافت. پیش از آن محیط حصار شهر تنها شش هزار گام بود غازان دستور داد تا شهر و روستاهای حومه آن را با حصارهای نوین که محیط آن با بیست و پنج هزار پا برابر بود محصور

کنند (مستوفی، ۱۳۶۲: ۷۶). پس از سقوط ایلخانان با وجود بلایا و فجایعی که بر سر تبریز آمد اما در قرن نهم هجری این شهر باز اهمیت خود را حفظ نمود (بارتولد، ۲۸۲)، گزارشات کلایخو نشان می‌دهد که شهر با سرعت و شتاب حیرت‌انگیز بازسازی و دوباره مرکز فعالیت‌های بازرگانی شد، کلایخو در اوایل قرن نهم هجری می‌نویسد: «تبریز شهری است که در دشتی میان دو کوه قرار دارد نهرهایی در آن جاری است جمعیت تبریز حدود دویست هزار خانوار یا بیشتر است» (کلایخو، ۱۳۷۴: ۱۶۲-۱۶۳)، او در توصیف وضعیت تجاری تبریز می‌افزاید: «در سراسر شهر خیابانهای پهن و میدان وسیع هست که در پیرامون آن ساختمانهای بزرگ دیده می‌شود و در آنها به میدان باز می‌شود، کاروانسراها نیز چنین است... چون از این کاروانسراها خارج شویم به خیابانها و بازارهایی می‌رسیم که در آنها همه گونه کالا فروخته می‌شود در بازار پارچه‌های ابریشم، پنبه، تافته، ابریشم خام، جواهرات، و همه گونه ظروف می‌توان یافت. در واقع گروه کثیری بازرگان و مقادیر بسیاری کالا در این شهر وجود دارد» (همان، ۱۶۲). بازرگان گمنام ونیزی که در زمان اوزون حسن به تبریز آمده است، می‌نویسد: «تبریز در دشتی پهناور در جهت مشرق قرار دارد. هوای تبریز چنان سازگار است که مردم را بر می‌انگیزد که با طیب خاطر در آنجا رحل اقامت افکنند» (باربارو و دیگران، ۱۳۸۱: ۴۱۱). او همچنین می‌نویسد: «در تبریز عده فراوانی از ایرانیان و ترکمانان بسر می‌برند و همچنین کولی‌هایی که از هواداران فرقه صفوی بشمار می‌روند، عده بالنسبه فراوانی از ارمنی‌های مسیحی در تبریز اقامت دارند. یهودیان در تبریز نیز هستند اما مقیمان دائمی آن سامان بشمار نمی‌روند، همه بیگانگانی هستند که از بغداد و کاشان، یزد به تبریز آمده‌اند» (همان، ۴۱۲).

۳. اوضاع تجاری تبریز پیش از آق‌قویونلوها

از قرن هفتم تا دهم هجری / سیزدهم تا شانزدهم میلادی تبریز به یکی از شهرهای مهم ایران از نظر سیاسی و اقتصادی تبدیل شد. در دوره ایلخانان این شهر در مسیر مبادلات تجاری آسیا و اروپا قرار گرفت. پس از فتح بغداد بدست هلاکوخان مغول، این شهر بتدریج رونق تجاری خود را از دست داد، جای خود را به تبریز و سپس سلطانیه داد. تبریز بزودی اهمیت فوق‌العاده‌ای یافت (جوادی، ۱۳۷۸: ۱۰۹). به گفته اودوریک (Odorico) تبریز مرکز تجارت دنیا شد و در بازارهای آن پارچه‌های ابریشمین و زربفت و انواع سنگ‌های قیمتی و بالاخره اکثر امتعه دنیای آن روز به فروش می‌رسید (همان). پئوگولتی تاجر فلورانس در کتاب خود تحت عنوان «دستوری عملی برای بازرگانان» که در حدود سال ۱۳۴۰/۵۷۴۱م

نوشته است، در فصول مختلف آن به ذکر منازل، بنادر، نوع کالاهای صادراتی و وارداتی، مقدار مالیات و عوارض، نوع تجارت هر محل، ارزش پول، اوزان و مقادیر هر سرزمین بحث کرده است (Francesco Balducci Pegolotti, la pratica della Mercatures). به نقل از جوادی، ۱۳۷۸: ۱۱۱). (۴)

سقوط ایلیخانان موجبات گسترش هرج و مرج، شیوع وبا و طاعون در بیشتر شهرهای آذربایجان و در نهایت رکود فعالیت های اقتصادی تبریز را فراهم ساخت. در دوره چهارده ساله حکومت ملک اشرف چوپانی (۷۵۷-۷۶۴ه) که با ظلم، ستم و چپاول همراه بود، تبریز بیش از سایر مناطق آسیب دیده، و رونق خود را از دست داد. در پی آن عده ای جلائی وطن کردند، روستاها خالی از سکنه شد و اقتصاد از رونق افتاد (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰: ۶۵۳-۶۵۴). از طرف دیگر حمله توقتمش خان، فرمانروای اردوی زرین به آذربایجان در سال ۵۷۸۶/۱۳۸۵ م، ویرانی و کشتار مردم این نواحی ضربه ای بزرگ بر حیات اجتماعی و اقتصادی تبریز وارد نمود. به نوشته مولف رو ضات الجنان، در این واقعه قریب ده هزار نفر از مردم آذربایجان کشته و صد هزار نفر به اسارت گرفته شدند (کربلائی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۴۶۷). هر چند نوشته های کربلائی تبریزی با اغراق گویی همراه است، اما وسعت فاجعه و زیان های وارد بر حیات اقتصادی، اجتماعی آذربایجان را نشان می دهد. به دنبال حمله لشکریان اردوی زرین، حملات تیمور در سال ۵۷۸۷/۱۳۸۶ م و پس از آن جنگ های قراقویونلوها با سپاهیان تیموری در آذربایجان در سال های ۸۰۹-۸۱۰/۱۴۰۷-۱۴۰۸ م ضربات جبران ناپذیری بر اقتصاد این منطقه وارد نمود. محمد بن هندوشاه نخجوانی در کتاب دستور الکاتب فی تعیین المراتب ضمن گزارش از ناامنی راههای تجاری از اجحاف و زیاده ستانی مالیاتی از تجار در این دوره سخن به میان آورده است (نخجوانی، ۱۹۶۴، ج ۱: ۵۳۲). نخجوانی، از منشیان غیاث الدین فرزند رشید الدین فضل الله همدانی در دوره ایلیخانان بود، خود شاهد رونق تجارت تبریز و مبادلات تجاری این شهر با سایر سرزمین ها از جمله اروپا بوده و سپس رکود تجارت در دوره آل چوپان و آل جلائی دیده، در اشاره به این وضعیت آشفته تجاری می نویسد: «اکنون مدتی است که از آن مملکت تجار و قوافل نیامده و اقمشه و آلات و آنچه معهود بوده نیاورده و نبرده اند» (همان). او در جایی دیگر اشاره می کند: «جمعی از تجار خاصه که از فلان موضع می آمدند تقریر کردند که در فلان مرحله جمعی از دزدان در شب بر ایشان زده اند و مبالغی اقمشه و چهارپایان برده اند» (همان، ۳۸۸). با حمله تیمور به آذربایجان در اواخر قرن هشتم هجری و سیاست های تجاری که

وی در اوایل قرن نهم هجری اتخاذ نمود، به این اوضاع آشفتنه خاتمه داد. پس از آن مقدمات شکوفایی تجارت تبریز در دوره ترکمانان بخصوص آق قویونلوها فراهم شد.

۴. رونق تجارت خارجی تبریز دوره آق قویونلوها

سیاستهای تجاری تیموریان و ترکمانان زمینه رونق دوباره اقتصاد تجاری تبریز را فراهم نمود. تیمور برای مراقبت از راهها و همچنین به منظور تامین مایحتاج کاروان‌ها در اکثر جاده‌ها رباط احداث کرد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۴). او در نواحی بیابانی لنگر گاهها برای مسافران بنا و قریه‌هایی برای آنها وقف نمود، تا در این لنگرگاهها از مسافران پذیرائی بعمل آید، از سوی دیگر در راهها از ترکستان تا نواحی دهلی، از باب الابواب در بند تا حدود مصر و روم چنان امنیت برقرار کرد که هیچ کسی جرعت تعرض به کاروان‌ها را نداشته باشد (همان، ۲۵). استقرار امنیت و کوتاه کردن دست شورشیان و راهزنان در راهها سبب توسعه مجدد تجارت خارجی شده و بازرگانان در حمل و نقل کالاها اطمینان خاطر بدست آوردند (بار بارو و دیگران، ۱۳۸۱: ۱۳۷). رونق مجدد تجارت تبریز از دوره قراقویونلوها آغاز و در دوره آق قویونلوها به اوج خود رسید. در دوره قراقویونلوها مناسبات تجاری بین تبریز با سایر سرزمین‌ها از جمله عثمانی وجود داشت. در اسناد و مکاتبات تاریخی مربوط به قرن نهم هجری مکتوبی از سلطان محمد فاتح خطاب به جهان‌شاه قراقویونلو باقی مانده که تاجری ترک به نام احمد بن موسی در تبریز فوت نموده و در این نامه سلطان عثمانی خواستار تحویل اموال وی، به وراثت شده است (نوائی، ۱۳۸۳: ۵۰۱).

گزارشات جهانگردان اروپائی و سفیران ونیزی نشانگر رونق تجارت تبریز در عهد آق قویونلوها است (همان). در اوایل قرن نهم هجری / پانزدهم میلادی مبادلات تجاری بین تبریز و ونیز دایر بوده است. بر طبق وصیت نامه باقی مانده از سفیر ونیز در طرابوزان در سال ۸۱۶/۵۱۳م به تصفیه حساب بین دو کاروان که از تبریز به شماخی می رفتند، اشاره شده است (دانشگاه تهران، ۱۳۵۲: ۱۴). ونیزیان در دوره آق قویونلوها و مخصوصاً در زمان اوزون حسن برای مدت مدیدی تقریباً انحصار تجارت ابریشم ایران، آسیای مرکزی و چین را در دست داشتند، کنسولگری‌های جمهوری ونیز در تبریز، لاهیجان و بعضی از نواحی خراسان با تجار ونیزی همکاری می کردند و از راه تجارت ابریشم سود زیادی بدست می آوردند (جوادی، ۱۳۷۸: ۱۵۷).

در قرن نهم هجری گیلان و مازنداران و سواحل غربی دریای خزر مانند شیروان و شماخی از مراکز عمده تولید ابریشم خام بوده است. تجار از این مناطق ابریشم خام را به تبریز منتقل و در این شهر به فروش می‌رساندند. با رونق یافتن مناسبات بازرگانی ایران و اروپا در قرن نهم هجری و ورود ایران به حوزه صادرات و واردات اروپا بار دیگر پای بازرگانان اروپائی به تبریز باز شد، در کنار بازرگانان فرنگی و تجار ترک نیز از قلمرو عثمانی برای تجارت به تبریز آمدند.

۱،۴ کالاهای وارداتی و صادراتی به تبریز دوره آق‌قویونلوها

بیشتر اطلاعات مربوط به واردات و صادرات کالا به تبریز در دوره ترکمانان آق‌قویونلو را از سفرنامه‌ها، رساله فلکیه و از قانون نامه‌های اوزون حسن آق‌قویونلو می‌توان بدست آورد. از متن قانون نامه‌های اوزون حسن بر می‌آید که اقمشه یزدی و فرنگی، قماش حلب، روم، شام و مصر، ابریشم، زعفران، فولاد، نفت، کتان، عسل، رنگ قرمز، صابون، قطران، صمغ سیاه و سفید، کشمش، نمک، برنج، پنبه، زغال از جمله کالاهای تجاری بودند که از قلمرو آق‌قویونلوها عبور می‌کرد و از این کالاهای مالیات تمغا گرفته می‌شد (Barkan, 1941, 97-105, Barkan, 1943, 184). همچنین از حلب و نواحی دیگر صابون، حنا، فندق، بادام، زیتون، عسل، انگور، انجیر و زردآلو وارد تبریز می‌شد. برای این کالاهای از هر بار اسب دو تنگه (سکه طلا) باج تمغا گرفته می‌شد (Barkan, 1943, 186). برخی از کالاها مانند فلفل، زنجبیل، نشاسته و اشیاء شبیه آن از هند وارد تبریز می‌شد و از هر بار اسب نصف سکه اشرفی باج تمغا اخذ می‌گردید (ibid, 187). تجار کتان را از طرابوزان به تبریز می‌آوردند (ibid, 190). برخی از کالاهای وارده شده به تبریز از یزد، شروان و دیار بکر بوده است (ibid, 190). اما بخش عمده کالاها از تبریز ترانزیت می‌شد، برخی از آنها نظیر ادویه هند از تبریز به آناتولی، اروپا و یا حلب صادر می‌گردید. در این دوره تبریز به عنوان چهار راه تجاری برای عبور کالا از شرق به غرب و یا برعکس بشمار می‌رفت. بخشی دیگری از کالاها مانند لعل، مروارید، عنبر، مشک، یاقوت و انواع جواهرات از خلیج فارس و جنوب ایران به تبریز می‌آمد (المازندرانی، ۱۹۲۵: ۱۱-۱۲).

در رساله فلکیه مربوط به نیمه دوم قرن نهم هجری (۸۶۵ه) به مبادله انواع کالاها مانند پارچه کمخا، قطیفه، صوف، قطیفه فرنگی منقش، کمخای دمشقی، اطلس و تافته یزدی (همان، ۱۲-۱۵) در تبریز اشاره شده است. این کالاها از فرنگ، هند، خلیج فارس و مناطق دیگر به قلمرو آق‌قویونلوها وارد و مشمول باج تمغا می‌شد (همان، ۱۶). بخشی از

کالاها از دشت قپچاق به تبریز می‌آمد. طبق نوشته المازندرانی خواجه مظفر پوست دوز کالاهایی مانند پوست سنجاب، روباه، قاقم را از دشت قپچاق به تبریز وارد می‌کرد (المازندرانی، ۱۶). مولف رساله فلکیه اطلاعات مسبوطی از کالاهای وارداتی و صادراتی به تبریز مانند ابریشم چینی، خراسانی، گیلانی و قماش سمرقندی و انواع اجناس وارداتی از دشت قپچاق و اجناس چینی نظیر پارچه های کماخ زر دوزی شده، ملونه، اطلس و مشک ارائه نموده است (المازندرانی: ۱۷۴).

کلاویخو که در اوایل قرن نهم هجری از تبریز عبور کرده و گزارش می‌دهد که: «در بازار پارچه های ابریشم، پنبه، تافته، ابریشم خام، جواهرات و همه گونه ظروف را می‌توان یافت» (کلاویخو، ۱۳۷۴: ۱۶۲). به نوشته او در تبریز گروه کثیری از بازرگانان حضور داشتند (همان) و کاروانها از هرمز مروارید را در صندوق های بزرگی به همراه صدف به سلطانیه و تبریز وارد نموده و این کالای تزئینی در تبریز به انگشتی و گوشواره تبدیل شده و به سایر سرزمین ها صادر می‌گردید (کلاویخو، ۱۶۹). به نوشته او هر سال بازرگانان از کافا، طرابوزان، ترکیه، سوریه و بغداد برای خرید انواع کالاها به تبریز می‌آمدند (همان، ۱۷۰).

در بخش صدور کالاهای داخلی نیز، تبریز کانون عمده صادرات بوده است. ابریشم تولیدی از گیلان، مازندران و شیروان به تبریز منتقل و از آنجا توسط تجار مسلمان و ارمنی به آناتولی ارسال می‌گردید. قبل از این که بورسا به عنوان مرکز خرید ابریشم ایران برای صنایع ابریشم بافی ایتالیا تبدیل شود، طرابوزان مهمترین محل فروش ابریشم ایران بود. کاروان ها از تبریز ابریشم خام و لباس های ابریشمی را به همراه ادویه هند و سایر کالاها به طرابوزان می‌بردند (Inalcik, 1998, 428).

۲,۴ تجارت تبریزی در عثمانی

با بررسی اسناد تجاری باقی مانده در استانبول و بورسا از قرن نهم هجری/ پانزدهم میلادی می‌توان به حضور گسترده تجار تبریز در شهرهای عثمانی بخصوص بورسا پی برد. در یکی از این اسناد تجاری محمود بن سید روح الله و خضر بن یوسف تبریزی از تجار حاضر در استانبول به عنوان شاهدان و تأیید کنندگان مبیعه نامه ای بوده اند که بین حسن علی بن عبدالله به عنوان فروشنده و بابا محمد شیرازی به عنوان خریدار نوشته شده است. بر اساس آن از بابت کالای مبادله شده خریدار مبلغ ۵۰۰ اشرفی سکه طلا به فروشنده بدهکار بوده است (Inalcik, 1981:13). تاجری دیگر به نام شیخ جان بن قاسم تبریزی ابریشم تولیدی

ایران، به ارزش ۱۳ هزار درهم را در سال ۸۸۹/۱۴۸۴م از تبریز به بورسای برده و آن را به ولی بن حاجی صالح فروخته و پس از دریافت بخشی از ثمن ابریشم فروخته شده، مقرر گردیده، فروشنده مابقی طلب خود را که مبلغ ۳۰۰درهم بوده، پس از ۶ ماه از خریدار دریافت نماید، بر این اساس قراردادی امضاء کرده اند و چهار نفر به نام های کمال قسام، حاجی علی بن محمد، مصطفی بن حسین و محمد بن کوسه تریه دار به عنوان شاهدان این قرارداد را تأیید کرده اند (ibid:9) ظاهراً شیخ جان تبریزی از تجار فعال ابریشم در بورسای بوده است. در سند دیگر در همان سال وی از بابت بهای ابریشم فروخته شده، از عبدالله عتیق و امیر ورسل بن حسین مبلغ ۴۰۰درهم طلب داشته که این دو فرد باید پس از ۶ ماه قرض خود را طبق تعهد نامه به شیخ جان تبریزی پرداخت می کردند (ibid).

در سند سومی مربوط به سال ۸۸۹/۱۴۸۴م مظفر بن خواجه محمد تاجر تبریزی از یوسف بن مصطفی مبلغ ۳۷۵۰درهم از بابت ابریشم فروخته شده طلبکار بوده و شاهدان این مبیعه نامه حاج محمد بن علی شاه تبریزی و محمد بن محمود برسوی بوده اند (ibid, 36). این مبیعه نامه ها نشان می دهند که تجار تبریزی ابریشم تولیدی ایران را به عثمانی صادر می کردند. آنان پس از فروش امتعه خود به تجار ترک و اروپائی، در مقابل کالاهایی که تجار ایتالیائی به بورسای آوردند، خریداری و آن را به تبریز منتقل می کردند. چنان که در سال ۸۹۰/۱۴۸۵م مظفر بن خواجه خوجکی تاجر تبریزی بر طبق مبیعه نامه ای به صرافیه به نام مصلح الدین مصطفی بن ابراهیم در بورسای مبلغ ۶۴۵۰۰درهم از بابت خرید ۱۲قطعه لعل ونیزی بدهکار بوده، مبلغ ۱۴۵۰۰درهم آن را پرداخت نموده و مابقی را پس از ۶ ماه بر اساس تعهد نامه پرداخت می کرد. این تعهد نامه را شاه ولد بن خواجه ساربان قلی تاجر تبریزی ضمانت نموده است (ibid, 38).

گاهی در مبادلات تجاری، تجار تبریزی وکیل هموطنان خود در شهرهای عثمانی می شدند. بر اساس سند شماره ۱۵۵ از اسناد بورسای مربوط به سال ۸۹۰/۱۴۸۵م علی بن زین العابدین گیلانی، میرخان بن سیدی تاجر تبریزی را وکیل خود ساخته تا وی ثمن ۹۰قطعه لعل او را از بابا یوسف تاجر قزوینی ساکن در شهر ادرنه دریافت نماید (ibid, 52). بیشتر تجار ایرانی در بورسای در نیمه دوم قرن نهم هجری از تبریز و چغرسعد (ناحیه ای نزدیک ایروان) بوده اند. آنان در کاروانسرا و یا خانیه که به خان عجم مشهور بود، فعالیت داشتند (ibid).

۳،۴ پول و اوزان رایج در تجارت خارجی تبریز

در مبادلات تجاری بین تجار ایرانی و بیگانه در دوره آق قویونلوها به انواع سکه‌ها اشاره شده است. در قانون نامه‌های مربوط به اوزن حسن اسامی برخی از سکه‌های زیر را می‌توان یافت. (Ozcan, 2011: 183)

۱. اشرفی قایتبای معادل ۵۰ آقچه عثمانی

۲. شاهروقی معادل ۶ آقچه عثمانی

۳. تنگه معادل ۲ آقچه عثمانی

۴. اشرفی شامی معادل ۴۰ آقچه عثمانی

۵. اشرفی حسن بیگی معادل ۲ آقچه عثمانی

۶. پنز (ترجیل) معادل ۱۵ آقچه عثمانی

۷. قراجه آقچه معادل یک سوم آقچه عثمانی

۸. درهم

۹. دینار

بازرگانان و نیزی در گزارشات خود به پول‌هایی مانند آسپر (۵) و دوکاتو نیز اشاره کرده‌اند، اما این که آنان در مبادلات خود این پول‌ها را به تجار ایرانی پرداخت می‌کردند یا نه، اطلاعاتی دقیقی در دست نیست. پئوگولوتی تاجر فلورانس در قرن هشتم هجری/چهاردهم میلادی اشاره می‌کند که در تبریز همه نوع کالا فروخته می‌شود و در مبادلات پول طلا و نقره پرداخت می‌گردد (pegolotti, 1936: 27). به نوشته همین تاجر برخی از اجناس مانند ابریشم، زعفران، عنبر و ادویه به وزن پوند (۶) فروخته می‌شوند (Ibid).

المازندرانی در رساله فلکیه به دینار به عنوان واحد پول پرداختی در مالیاتهای تمغا در تبریز اشاره کرده است (المازندرانی، ۱۹۲۵: ۵۴). استفاده از واحدهای پولی متنوع نشان می‌دهد که تجار ملل مختلف در تبریز حضور داشتند. در قانون نامه‌های اوزون حسن از سکه‌های حسن بگی نام برده شده است (Brakan, 1943: 184)، در همین قانون نامه‌ها از سکه‌های شاهروقی در معاملات و یا مالیات پرداختی سخن به میان آمده است (Ibid)، اشرفی قایتبایی از دیگر سکه‌هایی که در مبادلات تجاری استفاده می‌شد (Ibid, 186). تجار خارجی اجاره اقامت بیش از چهار ماه در تبریز را نداشتند، آنها همچنین نمی‌توانستند کالاهایی بیش از پولی که در اختیار داشتند، خریداری نمایند (Epstein, 1996.3).

من و یا باتمان (در زبان ترکی) مقیاسی برای اوزان کالاها در تبریز بوده است. کالاهای صادر شده از تبریز در دوره آق قویونلوها مخصوصاً ابریشم خام در وزن های چهار باتمان بسته بندی می شد (Dalsar, 1960, 147). بر اساس قانون نامه اوزون حسن هر من (باتمان) برابر با ۱۸۵۰ درهم بوده است (ibid). در اواخر قرن نهم هجری هر سال دویست بار کالا که هر بار حدود ۱۰۰ یا ۱۲۰ هزار کیلو گرم بود از تبریز به بورسای حمل می شد (Inalcik, 1995: 91).

۴،۴ عوارض گمرکی و مالیات در تجارت خارجی

در دوره آق قویونلوها ابریشم در تجارت ایران آن چنان ارزش داشت که بخشی از گنجینه سلاطین را ابریشم خام، پارچه ها و جامه های ابریشمین تشکیل می داد، قسمت بزرگی از هدایای تقدیمی پادشاهان، غرامت پرداختی فرمانروایان شکست خورده در جنگها به فاتحان، خلعت توزیع شده فرمانروایان در اعیاد و مناسبت ها و ... ابریشم بوده است. پشوگولوتی تاجر ایتالیایی گزارش دقیقی از منازل تجاری بین راه ارس تا تبریز در نیمه اول قرن هشتم هجری / چهاردهم میلادی ارائه می دهد. او از مقدار مالیات مقرر در هر منزل سخن به میان آورده و می نویسد، به طور کلی برای هر عدل بار یک آنچه مالیات در پست های معین اخذ می شود. در مقابل مامورین در بهبود امنیت تجار سعی فراوان می کنند (Francesco Balducci Pegolotti, la pratica della Mercatures). به نقل از جوادی، (۱۳۷۸: ۱۱۱). به نوشته او برای ابریشم در هر پوند چهار آسپر عوارض گمرکی پرداخت می گردد، وی می افزاید جنس آسپر از نقره است (pegolotti, 1936: 5)، (هر پوند برابر با ۳۲۰/۷ گرم بوده است).

در قرن نهم هجری / پانزدهم میلادی کاروانها بین تبریز تا بورسای از طریق ارزنجان تا توقات را در ۷۹ روز طی می نمودند، تعرفه گمرکی برای هر بار بین ۳۰ تا ۳۵ آنچه اخذ می گردید (Alkan, 2006: 146, Inalcik, 1971: 214)، در تبریز برای هر بار ابریشم ۱۲ شاهی و ۲ بیستک باج تمغا و ۱۰ شاهی حق عبور گرفته می شد (ibid, 147). بیشترین اطلاعات از میزان عوارض عبور کالا از قلمرو آق قویونلوها و یا مالیات فروش کالاهای وارداتی از قانون نامه های اوزون حسن بدست می آید. بر طبق این قانون نامه ها: «از اقمشه اگر به فروش می رسید یک بیستم تمغا گرفته می شد و اگر این کالاها از عبور شهر عبور داده می شد از هر بار شتر دو اشرفی قایت بیگی که معادل ۱۰۰ قراجا آنچه (۷) عثمانی عوارض گمرکی اخذ می گردید و از هر بار اسب و قاطر یک اشرفی که معادل ۵۰ قراجا آنچه بود،

باج تمغا گرفته می شد (Brakan, 1943: 187). کالاهایی مانند صابون، حنا، خرما، فندق، بادام، زیتون، عسل، انگور خشک، انجیر و کالاهای شبیه آن که از حلب و جاهای دیگر وارد به تبریز می شد، ۵ آقچه عثمانی عوارض دریافت می گردید (ibid). قماش‌هایی که تجار از اورفا به تبریز می آوردند برای هر توپ (بسته) پارچه نیم آقچه تمغا پرداخت می کردند. (ibid). از بارهای اقمشه وارد شده از روم مانند صوف، تافته و پارچه های شبیه آن ۵ در صد مالیات تمغا گرفته می شد، کتانی که از ترابوزان می آمد و در شهر فروخته می شد برای هر توپ ۱۰ قراجا آقچه مالیات اخذ می گردید. (ibid, 190). از اهالی ارزنجان اگر بار حریر می آوردند برای هر من ۲ قراجا آقچه و از سایر کالاها ۵ قراجا آقچه مالیات دریافت می شد. (ibid).

طبق گزارشات تجار ونیزی هر بازرگان و یا فروشنده ای که در بازار تبریز مغازه ای داشت، به نسبت داد و ستد خویش روزانه دو تا شش آسپر و یا حتی یک دوکاتو (۸) مالیات پرداخت می نمود (جوادی، ۱۳۷۵: ۱۵۱، طاهری، ۱۳۵۴: ۸۵). برای ابریشم در هر پوند چهار آسپر عوارض گمرکی پرداخت می گردید. (pegolotti, 1936: 5)

المازندرانی می نویسد بر اساس قانون تجارت، از هر چهل دینار قیمت اجناس مبادله شده، یک دینار مالیات گرفته می شود، یک دوم این مالیات از فرو شنده و دو سوم آن از خریدار دریافت می گردد (المازندرانی: ۱۷۴). در این دوره حقوق دیوانی تبریز از کل مالیات تمغا مبلغ هشتصد و هفتاد تومان و پنج هزار دینار بوده است (مستوفی، ۱۳۳۶: ۷۸). المازندرانی اجناسی که از اروپا، سوریه، مصر و سایر بلاد ایران به تبریز وارد می شد از جمله قماش فرنگ و مصر، قماش شیراز و کالاهایی از کرمان و اصفهان و انواع قماش هند اشاره نموده، مالیات آنها را نیز ذکر کرده است (المازندرانی: ۱۷۴). او می نویسد مالیات تمغای تبریز به خواجه نصیرالدین تبریزی به مقاطعه داده شده است که با کسر هزینه های آفات سماوی، عبور عساکر، قطع الطریق از قوافل مبلغ ۳۲۸۸۰۰۰ دینار است (همان، ۵۸-۵۹). البته این مبلغ شامل کل مالیات تمغا بوده است که از پیشه وران، کسبه و تجار هر کدام به نسبت معین گرفته می شد. به غیر از تبریز، ارزنجان مرکز عمده گمرک و اخذ عوارض در آناتولی شرقی بوده است (Dalsar. 1960. 128-129).

در دوره آق‌قویونلوها تبریز در محل تلاقی راههای تجاری ایران به قفقاز و دشت قیچاق و یا در مسیر راه تجاری شرق به غرب قرار داشت. کاروانهایی که از کنار دریای سیاه و آسیای صغیر می‌آمدند با کاروانهایی که از اقصا نقاط آسیای مرکزی می‌آمدند در این شهر به هم می‌رسیدند (کلاویخو، ۱۳۷۴: ۳۱). در مسیر آسیای صغیر راهی که تجار ایتالیایی به تبریز می‌پیمودند یا از طرابوزان به تبریز بود و یا از بندر ایاس، ارمنستان صغیر، قیصریه، ارزنجان و ارزروم به تبریز بود. راه سوم از قبرس به ارمنستان صغیر و کناره‌های فرات و دیار بکر به تبریز می‌رسید (جوادی، ۱۳۷۸: ۱۱۱). پئوگولوتی، تاجر فلورانس در سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۴۳م از راههای تجاری ترابوزان-ارزنجان به تبریز و یا بندر ایاس، ارزنجان-ارزروم به تبریز گزارشی ارائه نموده (peogolotti, 1936: 28-30) و می‌نویسد کاروان‌های تجار جنوائی دائم بین تبریز و ترابوزان در رفت و آمد هستند (جوادی، ۱۳۷۸: ۱۱۲). تجار در مسیر دریای سیاه کالاها را تبریز به طرابوزان و از آنجا به استانبول می‌بردند. اما این مسیر به تدریج با مخاطراتی مواجه شد و از طرف دیگر با رونق بورس، طرابوزان کمتر مورد توجه تجار تبریزی قرار گرفت (Inalcik, 1998, 428).

مهمترین راههای تجاری منتهی به تبریز در دوره آق‌قویونلوها عبارت بودند از:

- ۱- راه تجاری که از تبریز به دیاربکر و از آنجا به حلب می‌رفت
- ۲- راه تجاری که از تبریز به ارزروم و از آنجا به بورس می‌رسید. بورس و حلب از مراکز عمده فروش ابریشم ایران بوده اند (کلاویخو، ۳۱).
- ۳- راه دیگر صادرات کالا از تبریز به آناتولی از طریق کوههای آغری به ارزنجان بوده است (Dalsar. 1960. 128-129).
- ۴- مسیر راه تجاری تبریز، ارمنستان به ترابوزان که کالاهایی مانند ابریشم به آنجا صادر می‌شد (ibid. 129).
- ۵- راه تجاری که از تبریز به قفقاز و از آنجا به دشت قیچاق می‌رفت، اجناسی مانند پوست سمور و قاقم از این طریق وارد تبریز می‌شد (رضوی، ۱۳۸۸، ۱۳).
- ۶- بخشی از راههای تجاری تبریز از طریق اردبیل به شروان و گیلان می‌رفت، ابریشم گیلان و سواحل غربی دریای خزر از این طریق به تبریز می‌رسید. کاروان‌ها ابریشم را که گاهی به ۸۰۰ تا ۹۰۰ بار شتر می‌رسید، از گیلان و شماخی به تبریز می‌آوردند (باستانی‌پاریزی، ۱۳۴۸: ۱۰).

۷- راه شرقی یا همان مسیر جاده ابریشم که تبریز را به خراسان و جنوب ایران متصل می‌کرد.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به این که تبریز در امتداد جاده تجاری ابریشم قرار داشت تجارت آن تا حد زیادی به امنیت راهها و حمایت حاکمان از تجارت ارتباط پیدا می‌کرد، در پی سیاست‌های اقتصادی حاکمان آق‌قویونلو در نیمه دوم قرن نهم هجری/پانزدهم میلادی این شرایط در تبریز مهیا گردید، تجار ملل مختلف در این شهر حضور یافته و موفق شدند انواع کالاهای تولید شده هند، چین، ایران، فرنگ، حلب، شام، آناتولی و دشت قیچاق را به تبریز آورده و به مبادله آنها پردازند، و یا برخی از کالاها را از طریق تبریز به غرب و شرق منتقل نمایند. تبریز در این دوره از رونق اقتصادی قابل توجهی برخوردار گردید، و به کانون عمده مبادلات تجاری دنیا تبدیل شد. عواید حاصل از تجارت خارجی هم برای حاکمان آق‌قویونلو و هم برای پیشه‌وران، تجار و بازاریان این شهر بسیار فراوان بود. حکومت آق‌قویونلو از طریق دریافت مالیات تمغا درآمد قابل توجهی بدست آورد، تجار، پیشه‌وران و بازاریان نیز از طریق تولید و مبادله کالا و یا ارائه خدمات به تجار درآمد زیادی کسب کردند. برخی از تجار تبریزی کالاهای تجاری ایرانی، هندی و سایر سرزمین‌های شرقی را به بوسا و دیگر شهرهای عثمانی و حلب برده و در مقابل کالاهایی از آن مناطق را به تبریز وارد کردند. به همین خاطر می‌توان گفت رونق تجارت خارجی تبریز در این دوره در رفاه اقتصادی مردم این شهر و افزایش عوایدی حکومت نقش بسیار موثری داشت.

کتابنامه:

- اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۰)، *تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری*، جلد اول، تهران: نشر نامک، چاپ.
- باربارو و دیگران (۱۳۸۱)، *سفرنامه‌های ونیزیان در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، خوارزمی، چ ۱.
- بارتلد، ویلهلم (۱۳۷۷)، *جغرافیای تاریخی ایران*، با ویراستاری و مقدمه کلمنت ادموند بوزورث، ترجمه همایون صنعتی زاده، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۴۸)، *سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران، نشر صفی‌علیشاه.

تجارت خارجی تبریز در دوره آق‌قویونلوها ۱۵

جوادی، حسن، (۱۳۷۸)، *ایران از دیده سیاحان اروپایی از قدیم ترین ایام تا اوایل دوره صفویه*، تهران: نشر بوته.

حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله (۱۳۸۰)، *زبده التواریخ*، ج ۱، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات سید کمال حاج سید جوادی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

دانشگاه تهران (۱۳۵۲)، *اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز از دوره ایلخانان تا عصر صفوی*، انتشارات کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
رضوی، سید ابوالفضل، (۱۳۸۸)، *راههای تجاری درون زمینی در عصر ایلخانان*، مسکویه، س ۲، ش ۶، بهار ۱۳۸۸.

کربلائتی تبریزی، حافظ حسین (۱۳۴۴)، *روضات الجنان و جنات الجنان*، ج ۱، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

کلاویخو، گونزالز (۱۳۷۴)، *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چ ۳.

لسترنج، گای (۱۳۸۶)، *جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۷.

المازندرانی، عبدالله بن محمد بن کیا (۱۹۲۵)، *رساله فلکیه*، به تصحیح والتر هینتس، آلمان، ویس بادن، انتشارات هیئت مستشرقین در فرهنگستان ماینس، چاپخانه فرانس اشتاینر.
مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۲)، *نزهة القلوب*، به اهتمام گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب.
نخجوانی، محمد بن هندوشاه (۱۹۷۱)، *دستورالکاتب فی تعیین المراتب*، جزء دوم از جلد اول، به تصحیح عبدالکریم علی اوغلی، مسکو، فرهنگستان علوم، انستیتو ملل خاورمیانه و نزدیک.

نوائی، عبدالحسین (۱۳۸۳)، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران از تیمور تا شاه اسماعیل*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

Alkan, Nilufer(2006), 15 ve 16 yüzyıllarda iran ipek yolunda kervanlar, u.u fen –edebiyat fakultesi, sosyal bilimler dergisi. Yıl: 7, say 11.

Barkan,ömer lütfi (1941), “Osmanli devrinde akkoyunlu hükümdarı Uzun Hasan Beye ait kanunlar”. Türk tarik vasikalari. Ankara. S1. ss 91-106 ve S2, ss184-196

Barkan, Ömer Lütfi (1943) xv ve xvi inçe asırlarda. Osmanlı imparatorluğunda zirai ekonominin hukuki ve mali esasları. İstanbul. İstanbul üniversitesi. Edebiyat fakültesi.

Dalsar, Fahri (1960), Türk sanayi ve ticaret tarihinde Bursada ipekkilik, İstanbul, Üniversitesi İktisat Fakültesi

Epstein, S.A. (1996), Genoa and the Genoese 958-1528, London.

Inalcik, Halil (1971), The Ottoman Empire, The classical age 1300-1600, Translated by Norman Itzkowitz and Colin Imber, London: The Trinity Press, Worcester.

Inalcik, Halil (1998), The question of the closing of the Black Sea under the Ottoman, Ankara, Bilkent University.

Inalcik, Halil (1981) "Bursa Kadi sicillerinden seçmeler" Belgeler, cX, sayı 14, Ankara, Türk Tarih Kurumu, 8-53.

Ozcan, Ahmet (2011), Uzun Hasan Kanunları ve Osmanlı dönemine yansımaları,

Pegolotti (1936), Southern Italy and Florentine economy, Pegolotti's Merchant Handbook, edited by Allan Evans, Instructor in History Harvard University.

پی‌نوشت:

۱. زهرا امیری، «روابط ونیز و ایران در عهد اوزون حسن آق قویونلو»، فصلنامه تاریخ پژوهی (مجله انجمن علمی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد)، ش ۴۸، پاییز ۱۳۹۰
۲. احمد برجلو و مهدی سنگ سفیدی، «تجارت در دوره آق قویونلوها»، تاریخ نو، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۹۴.
۳. هدا حسین زاده، «روابط ایران و هند در دوره سلطنت حسن بیگ و یعقوب آق قویونلو»، مجله ادبیات و زبانها، ویژه‌نامه فرهنگستان، ش ۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.

۴. پتوگولوتی در اواسط قرن هشتم هجری به تبریز آمده اطلاعات دقیقی از انواع کالاهای وارداتی و صادراتی به تبریز و انواع پول‌ها و مسکولات به عنوان و سیله مبادله و از قیمت اجناس و روابط تجاری تبریز با دشت قپچاق گزارشات مبسوطی ارائه نموده است با توجه به این که در دوره آق‌قویونلوها نیز همان روند وجود داشته، می‌توان از گزارشات وی استفاده نمود. متأسفانه هنوز متن کامل دست‌نوشته‌های پتوگولوتی ترجمه نشده است. نوشته او به زبان ونیزی در قرن نهم هجری/پانزدهم میلادی می‌باشد ترجمه آن بسیار مشکل است. مطالب نوشته شده از پتوگولوتی در این مقاله برگرفته از مقدمه ای است که به زبان انگلیسی از سوی Allan EVANS نوشته شده است.

۵. بر اساس نوشته کلاویخو هر آسپر مهادل نیم رآل (Real) نقره بوده است، نک: کلاویخو، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.

۶. هر پوند برابر با ۳۲۰/۷ گرم بوده است (Inalcik, Halil, The ottoman state: The economy and society, the university of Cambridge, 1996)

۷. آقچه سیاه، سکه‌ای بود که ارزش آن کمتر از یک آقچه بوده است هر سه قراجا آقچه معادل یک آقچه عثمانی ارزش داشت.

۸. هر دوکاتوی ونیزی برابر با ۱۰۰ دینار بود.